

متن، معنی، شرح و تفسیر غزل شماره ۲۸۱ حافظ

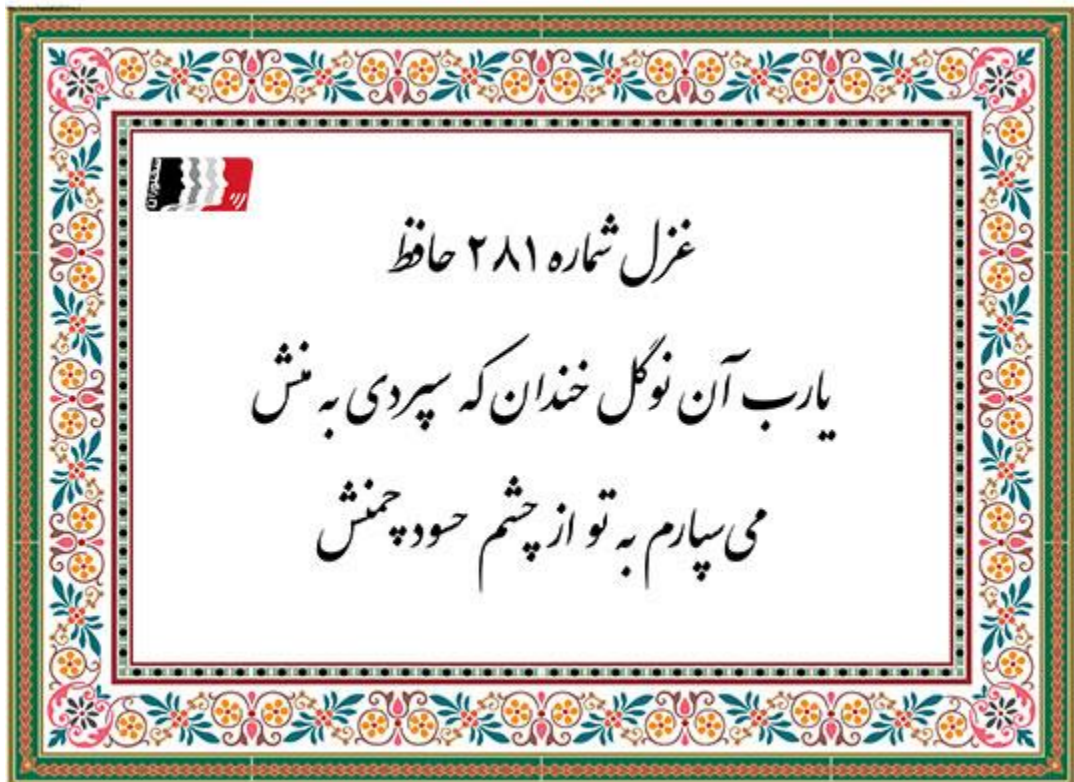
یا رب، این نوگل خندان که سپردی به منش
می سپارم به تو از چشمِ حسودِ چمنش

غزل ۲۸۱ حافظ با یا رب این نوگل خندان که سپردی به منش آغاز می شود. وزن غزل یا رب این نوگل خندان ، فاعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن (بحر رمل مثنی مخبون محذوف) می باشد. در ادامه می توانید متن کامل غزل و همچنین معنی لغات و شرح و تفسیر ابیات را مشاهده کنید. در شرح و تفسیر از کتاب شرح سودی بوسنوی ، شرح حافظ دکتر خطیب رهبر، دکتر عبدالحسین جلالیان و شرح شوق دکتر حمیدیان بهره گرفته شده است.

آنچه در ادامه می خوانید:

۱- متن غزل

۲- شرح و تفسیر غزل



۳- معنی غزل و لغات

متن غزل ۲۸۱ حافظ

یا رب، این نوگلِ خندان که سپردی به مَنَش
می‌سپارم به تو از چشمِ حسودِ چَمَنَش

گر چه از کوی وفا گشت به صد مرحلهٔ دور
دور باد آفتِ دُورِ فلک از جان و تَنَش!

گر به سرْمَنْزِلِ سَلْمی رسی، ای بادِ صبا!
چشم دارم که سلامی برسانی ز مَنَش

به ادب نافه‌گشایی کن از آن زلفِ سیاه
جای دل‌های عزیز است، به هم بر مَزَنَش!

گو: دلم حقّ وفا بر خَط و خالت دارد
محترم دار در آن طِرّهٔ عَنبَرُشِکَنَش!

در مقامی که به یاد لبِ او می‌نوشند
سِفْلِهٔ آن مست، که باشد خبر از خویشَتَنَش!

عرض و مال از درِ میخانه نشاید اندوخت
هر که این آب خورد، رَحْت به دریا فِکَنَش!

هر که ترسد ز مَلال، اَنَدَهٔ عشقش نه حلال!
سِرِّ ما و قَدَمَش، یا لبِ ما و دَهَنَش!

شعرِ حافظ، همهٔ بیتُ الغَزَلِ معرفت است
آفرین بر نَفْسِ دِلْکَش و لطفِ سخَنَش!

شرح و تفسیر غزل ۲۸۱ حافظ

یا رب، این نوگلِ خندان که سپردی به مَنَش
می‌سپارم به تو از چشمِ حسودِ چَمَنَش

نوگل: [نُگ] شکوفه، غنچه || کنایه از محبوب

چشمِ حسود: [چ م ح] چشم بد، چشم زخمِ حسود

حسود چمن :اضافه تشبیهی است

معنی بیت :خدایا، محبوبی که به من سپردی را از چشم زخم حسودان روزگار به تو می سپارم که نگهدارش باشی .

گر چه از کوی وفا گشت به صد مرحله دور
دور باد آفتِ دُورِ فلک از جان و تنش!

کوی وفا : [ی و] یا اضافه تشبیهی است و وفا به کوی تشبیه شده است

آفت : [ف] آسیب، گزند، بلا

دور فلک : [د / دُر / ف ل] گردش روزگار، گردش زمانه

معنی بیت : گرچه محبوب، وفاداری را فراموش و ما را ترک کرده، ولی هر جایی که هست جان و تنش از بلای روزگار در امان باد.

گر به سرمنزل سلمی رسی، ای باد صبا!
چشم دارم که سلامی برسانی ز منش
به ادب نافه گشایی کن از آن زلف سیاه
جای دل های عزیز است، به هم بر منش!

سرمنزل : [س م ز] منزل . مسکن

سلمی : [س م] از عرایس عرب . زنی معشوقه در عرب و مجازاً، هر معشوق را گویند

باد صبا : [د ص] باد مشرق . پیام آور جانان برای عاشق

به آدب : مودبانه، محترمانه

نافه گشایی : [ف / ف گ] نافه گشودن . گشودن نافه . باز کردن نافه . مجازاً، به معنی مشکین کردن هوا

نافه گشایی از زلف سیاه : کنایه از باز کردن زلف های سیاه و معطر کردن هوا است

معنی بیت: ای باد صبا اگر به منزل محبوب و معشوق رسیدی انتظار دارم که سلام مرا به او برسانی و مودبانه و محترمانه زلف سیاه مشکین یار را نوازش کنی و هوا را از بوی او معطر سازی. مبدا که موهای یار را پریشان کنی که عاشقان زیادی دل در گرو زلف مشکین جانان دارند.

گو: دلم حقّ وفا بر خطّ و خالت دارد
محترم دار در آن طرهٔ عنبرشکنش!

اختلاف نسخ: در برخی نسخ در مصرع اول به جای بر، با آمده است: گو دلم حق وفا با خط و خالت دارد

حق وفا: [ح ق ق و] حق وفاداری

خط و خال: [خ ط ط ا] خال صورت و موی تازه بر روی دمیده

طره: [ط ر ر] موی پیشانی، کاکل

عنبر: [ع ب] مادهٔ خوشبویی که رنگ تیره دارد و در قدیم به خاطر سیاه بودن غلامان و کنیزان به آنها عنبر می گفتند

عنبرشکن: [ع ب ش ک] عنبرریز. آنچه عنبر از آن پراکنده شود

طره عنبرشکن: بوی خوش عنبر در مقابل عطر زلف یار از رونق می افتد، معطرتر از عنبر

معنی بیت: ای باد صبا به جانان بگو که دل من با سبزهٔ عذار و خال صورتت، حقی از دوستی و نصیبی از وفاداری دارد. بر توست که خط و خالت را در چین و شکن زلف عنبرافشانت به حرمت و عزت نگاه داری.

در مقامی که به یاد لب او می نوشند
سُفلهٔ آن مست، که باشد خبر از خویشتنش!

اختلاف خوانش: در مصرع اول هم خوانش می نوشند صحیح است و هم می نوشند

مقام: [م] جا، مکان

سُفله: [س ل / ل] فرومایه . مردم ناکس و فرومایه

معنی بیت: در بزمی که به یاد لبِ نوشینِ یار، ساغر گیرند و شراب نوشند، چه پست و فرومایه است مستی که از خود بی خود نشود و حواسش به جا باشد.

عرض و مال از درِ میخانه نشاید اندوخت
هر که این آب خورد، رخت به دریا فگنش!

عرض: [ع] آبرو

مال: ثروت

نشاید: [نَی] شایسته نیست، سزاوار نیست

آب: مراد شراب است

رخت به دریا فگندن: [رَبِ دَفِ كَدَا] دست از جان شستن، ترک علایق کردن. واژه رخت در ابتدا به معنای لباس بوده و بعداً به معنای کل اسباب زندگی فرد و در معنای عرفانی به کل تعلقات و تعینات فرد اطلاق شده است.

معنی بیت: در میکدهٔ رندان، نمی توان صاحب آبرو و مال و ثروت شد. هر که شراب میخانه نوشد وی را دست از جان شسته و به مقام فنا رسیده به حساب بیاور.

هر که ترسد ز ملال، آندۀ عشقش نه حلال!
سرِ ما و قدمش، یا لبِ ما و دهنش!

ملال: [م] دلتنگی، رنج و اندوه

انده عشقش: [أَنْ دُهُ عِ] اندوه عشق او را حلال نیست، غم عشق او را حلال نیست

نه حلال: [نَحَا] حلال نیست، حرام باد

سر ما و قدمش: [سَرِ قَدَمِ] مراد سر زیر قدم یار گذاشتن است که نشان دهنده منتهای ذلت و خاکساری و فروتنی در مقابل یار است

لب ما و دهنش: [لَبِ دَهَنِ] مراد بوسیدن لب یار است که نشان عزتمندی در برابر یار است

معنی بیت: هر کس از فراق و جدایی و دلتنگی یار می ترسد و می هراسد، غم بادهٔ عشق حرامش باشد. چه یار ما را در زیر پایش پایمال و لگدمال کند و چه با نهایت عزتمندی و احترام لب بر لب ما بگذارد برای ما فرقی ندارد و ناراحت و ملول نمی شویم. خلاصه آنکه لذت و ذلت در برابر یار یکی است.

شعرِ حافظ، همهٔ بیت‌الغزلِ معرفت است
آفرین بر نفسِ دلکش و لطفِ سخنش!

بیت الغزل: [بَ / بَ / ی / تُ / لُ / غَ / زَ] شاه بیت . بیتهایی که در غزل از دیگر ابیات برتر و بهتر باشد

نفسِ دلکش: [نَ / فَ / سِ / دِ / کَ] دم گرم و گیرا

لطفِ سخن: [لُ / فِ / سِ / خَ] کلام نرم و ظریف و دلنشین

معنی بیت: اشعار حافظ چون شاه بیت دانش و معرفت است. مرحبا بر دم گرم و گیرا و کلام نرم و دلنشین او

نویسنده: دکتر زند